

Sociological Explanation of Sexual Harassment: A Case Study of the Disabled Women in Mazandaran Province

Afagh Rostamian

Corresponding Author, PhD Student in Sociology, Department of Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran. Afagh.rostamian@yahoo.com

Ali Rahmani Firozjah

Associate Professor, PhD in Sociology, Department of Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran. Arf1348@gmail.com

Aliasghar Abbasi Asfajir

Associate Professor, PhD in Sociology, Department of Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran. Asfajir@hotmail.com.

Abstract

The study of sexual harassment of disabled women is one of the topics that have so far received little empirical attention. Therefore, the present study has been conducted to investigate the social factors bringing about disabled women's sexual harassment in Mazandaran province. The theoretical framework of the research was based on the theory of routine activities and the theory of lifestyle. It was mainly aimed at investigating the causal relationship between disabled women's sexual harassment and the variables of suitable targets, the presence of a powerful protector, and lifestyle. The adopted research method was causal and a researcher-made questionnaire was used for data collection and the validity of the theoretical construct was used for determining the validity of the indicators. The research population consisted of all the women and girls with disabilities in Mazandaran province. According to the cultural differences and geographical location of Mazandaran, it was divided into four points namely Sari, Babol, Behshahr, and Noor and a simple cluster random sampling method was used to determine the sample size. A total of 9417 women with disabilities living in these cities were selected as the statistical population. The sample size according

to the sampling error at 95% confidence level included 369 people from the statistical population. Since there is always the possibility of some questionnaires having been distorted by the respondents, 400 questionnaires were distributed among the respondents, and after discarding the distorted ones, 343 questionnaires were finally analyzed. On the basis of the research hypotheses, it seems that there is a relationship between disabled women's verbal sexual harassment and the target vulnerability, the presence of a powerful protector, and their lifestyle. The results of inferential statistics indicated that the lifestyle with a beta value of 0.489 and a positive and direct influence had the greatest effect on the respondents' verbal sexual harassment. The second variable in terms of the influence was the suitable target variable with a beta value of 0.170 and a positive and direct effect on the respondents' verbal sexual harassment. However, the presence of a powerful protector with a beta value of 0.101 and a significance level of 0.093 did not have a significant effect on the respondents' verbal sexual harassment. The findings were consistent with the theoretical approaches to routine activities and lifestyle.

Keywords: *Verbal sexual harassment - suitable target- the presence of a powerful protector - lifestyle - disabled women in Mazandaran Province*

تبیین جامعه‌شناختی آزار جنسی کلامی: مطالعه موردی زنان معلول استان مازندران^۱

آفاق رستمیان

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای تخصصی جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران Afagh.rostamian@yahoo.com

علی رحمانی فیروز جاه

دانشیار، دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران Arf1348@gmail.com

علی اصغر عباسی اسفجیر

دانشیار، دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران Asfajir@hotmail.com

چکیده

مطالعه و بررسی آزار جنسی زنان معلول از جمله موضوعاتی است که توجه تجربی چندانی را به خود اختصاص نداده است.

لذا پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی زنان معلول استان مازندران صورت گرفته است.

چهارچوب نظری پژوهش مبتنی بر نظریه فعالیت‌های روزمره و نظریه سبک زندگی بوده است. هدف پژوهش بررسی رابطه علی میان آزار جنسی کلامی معلولان با متغیرهای اهداف مناسب، حضور محافظ‌توانمند و سبک زندگی می‌باشد. روش پژوهش به صورت علی بوده و به منظور جمع‌آوری داده از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده و به منظور تعیین اعتبار شاخص‌ها از اعتبار سازه نظری استفاده گردید. جمعیت پژوهش تمامی زنان و دختران معلول استان مازندران می‌باشد. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و موقعیت جغرافیایی استان مازندران به چهار نقطه -ساری، بابل، بهشهر و نور- تقسیم و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی ساده استفاده شده است. در مجموع ۹۴۱۷ نفر از زنان دارای معلولیت شهرهای مزبور، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. حجم نمونه برحسب خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۶۹

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

نفر در نظر گرفته شد. از آنجایی که همواره احتمال مخدوش شدن پرسشنامه‌ها از سوی پاسخگویان وجود دارد، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه در بین افراد توزیع شد و پس از کنار نهادن پرسشنامه‌های مخدوش نهایتاً ۳۴۳ پرسشنامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. براساس فرضیات تحقیق به نظر می‌رسد بین آزار جنسی کلامی معلولان با آسیب پذیری هدف، حضور محافظ توانمند و سبک زندگی آنان رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از بکارگیری آماره‌های استنباطی حاکی از این است که متغیر سبک زندگی با مقدار بتای ۰/۴۸۹ و تأثیرگذاری مثبت و مستقیم بیشترین تأثیر را بر آزار جنسی کلامی پاسخگویان داشته است. دومین متغیر به لحاظ تأثیرگذاری متغیر اهداف مناسب با مقدار بتای ۰/۱۷۰ و تأثیر مثبت و مستقیم بر آزار جنسی کلامی پاسخگویان است. اما متغیر حضور محافظ توانمند با مقدار بتای ۰/۱۰۱ و سطح معناداری ۰/۰۹۳ اثر معناداری بر آزار جنسی کلامی پاسخگویان نداشته است. نتایج این پژوهش با رویکردهای نظری فعالیت روزمره و سبک زندگی همخوانی داشته است.

واژه‌های کلیدی: آزار جنسی کلامی - اهداف مناسب - حضور محافظ توانمند - سبک زندگی - معلولان

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۵ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۴

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۲۵-۱۵۴

مقدمه

اعمال خشونت علیه انسان‌ها در همه‌ی دوران‌ها تاریخی وجود داشته است؛ اما به نظر می‌رسد که زنان و دختران در برابر خشونت آسیب‌پذیرتر هستند (سروریان، ۱۳۸۳، ص. ۳۰۱). آزار جنسی از مصادیق خشونت علیه زنان است (نواح، ۲۰۰۸، ص. ۱۲۲). در واقع در دنیای امروز اعمال خشونت و آزار علیه زنان به اشکال مختلف در جریان است که می‌توان گفت نوع شدید آن آزار جنسی زنان است که به شدت نیز در حال گسترش می‌باشد (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص. ۲).

چنین رفتارهایی می‌تواند شامل همه انواع رفتارها از جمله، انگشت‌نماکردن، تفسیرها درباره بدن زنان، پیشنهاد جنسی و لمس کردن را دربرگیرد (رزوارن، ۲۰۰۴، ص. ۵). آزار جنسی ممکن است در جامعه، محیط کار یا محیط خانواده اعمال شود.

این مزاحمت‌ها در بعد فردی، موجب سلب امنیت فردی زنان، خدشه به حیثیت و منزلت انسانی، احساس بدبینی نسبت به جنس مخالف، تخریب روابط بین فردی و گروهی و از دست دادن توانایی ارتباط متعادل با دیگران می‌شوند (آقاجانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۱). برای دختران، قربانی آزار جنسی شدن در نوجوانی با خطر به خود آسیب‌زدن، فکرکردن به خودکشی، رژیم‌های غذایی نابهنجار، احساس ناامنی در مدرسه و با احساس استرس و مشکلات جنسی و ارتکاب خشونت در سال‌های بعدی مرتبط است (چایدو و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۲۵۰).

زنان معلول نیز همچون دیگر اشخاص جامعه نسبت به مشکلات احاطه‌کننده روابط جنسی آسیب‌پذیرند. از جمله این مشکلات می‌توان به آزار، تجاوز و خشونت خانگی اشاره کرد (سابسی، ۱۹۹۴، ص. ۹۳).

به نظر می‌رسد سوءاستفاده جنسی از افراد دارای معلولیت یک مسئله بسیار شایع در جامعه معاصر است. هرچند به نظر می‌رسد که بسیاری از موارد آزار یا گزارش نمی‌شود و یا ناشناخته برای دیگران (به‌غیر از قربانی و مهاجم) باقی می‌ماند اما با این حال میزان آزار جنسی کودکان دارای معلولیت و تجاوز جنسی به بزرگسالان دارای معلولیت بالاست.

بعضی از انواع آزارها به دلیل محدودیت‌هایی که معلولیت ایجاد می‌کند منحصر به زنان معلول است (گلیسون و دیگران، ۲۰۰۱، ص. ۴۱۸). اعمال آزارهای مختلف کلامی، روانی، فیزیکی، تحقیر و توهین، اختیارکردن همسر دیگر، بی‌توجهی و بی‌علاقگی نسبت به این زنان، ممکن است موجب شدت یافتن علائم اختلال یا حتی بروز علائم در زنان دارای معلولیت شده و سیر بیماری را در آنان طولانی‌تر کند. از طرفی با توجه به فقدان حمایت‌های لازم از طرف خانواده و جامعه، امکان بازگرداندن آنها به جامعه با دشواری‌های بیشتری همراه است (یسلیانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱-۲۰).

زنان دارای معلولیت با برخی از عوامل خطر منحصر به فرد مواجه هستند که باعث آسیب‌پذیری بیشتر آنها در سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی می‌شود. این عوامل خطر شامل عدم توانایی برای ترک یک موقعیت آزار به دلیل اختلالات تحرک یا وابستگی به یک مراقب است و آسیب‌پذیری به دلیل محدودیت‌های جسمی، ذهنی و عاطفی افزایش می‌یابد (یانگ و دیگران، ۱۹۹۷، ص. ۳۵). با عنایت به مطالب مذکور فرضیه‌های پژوهش حاضر شامل موارد زیر است:

به نظر می‌رسد بین آسیب‌پذیری هدف و آزار جنسی کلامی معلولان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین حضور محافظ توانمند و آزار جنسی کلامی معلولان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین سبک زندگی و آزار جنسی کلامی معلولان رابطه وجود دارد. با توجه به این مقدمات، باید اشاره کرد که نتایج بررسی‌های به عمل آمده نشان از این امر دارد که موضوع آزار جنسی کلامی زنان دچار معلولیت از حیث

تجربی دارای غنای چندانی نیست و مطالعه این مهم از اهمیت قابل توجهی برخوردار است که دستاوردهای آن می‌تواند زمینه مطالعات بعدی را فراهم آورد. در نتیجه اهداف پژوهش، بررسی موارد زیر خواهد بود:

- مطالعه رابطه علی میان آزار جنسی کلامی و اهداف مناسب؛
- مطالعه رابطه علی میان آزار جنسی کلامی و حضور محافظ توانمند؛
- مطالعه رابطه علی میان آزار جنسی کلامی و سبک زندگی؛

بررسی پیشینه

اولافسون^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «ریسک بالای مواجهه زنان و مردان دارای ناتوانی‌های جسمی و حسی با خشونت» به بررسی شیوع و ریسک در معرض قرارگرفتن با خشونت جسمی، خشونت روانی یا تهدید به خشونت در افرادی با معلولیت فیزیکی و حسی در مقایسه با افرادی که این نوع از معلولیت‌ها را ندارند، پرداختند. داده‌های یافته‌شده از پژوهش سلامت عمومی مورد تحلیل قرار گرفت. زنان و مردان ۱۶ تا ۲۴ سال به پرسش‌نامه پاسخ دادند. نتایج نشان داد که زنان با معلولیت ناشی از شنوایی عموماً نسبت به زنان بدون معلولیت بیشتر در معرض خشونت قرار گرفتند، این امر در حالی بود که مردان با معلولیت فیزیکی نسبت به مردان سالم بیشتر در معرض خشونت قرار گرفتند. برخی از گروه‌های سنی هم در بین زنان و هم مردان که دارای معلولیت بینایی بودند، نسبت به زنان و مردان سالم دارای نرخ بالاتری در حوزه در معرض خشونت قرارگرفتن بودند. مطابق با نتایج؛ متغیر در معرض خطر قرارگرفتن در زنان دچار معلولیت شنوایی با خشونت فیزیکی و روانی بیشتری همراه بود. زنان و مردان دارای معلولیت فیزیکی و حسی نسبت به زنان و مردان سالم احتمال بیشتری را برای در معرض خشونت قرارگرفتن داشتند. نتایج، نمایانگر این است که شرایط اجتماعی-اقتصادی، سیگارکشیدن و استفاده از نوشیدنی‌های الکلی رابطه بین معلولیت و اعمال خشونت را تقویت می‌کند.

لیوینگستون^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ی کیفی خود تحت عنوان «تجربه مورد آزار و اذیت خیابانی قرارگرفتن در نیویورک» ۲۲۳ نفر را به روش پیمایشی طی سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۸ در شهر نیویورک مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. ۵۵ درصد از افراد این نمونه گزارش کردند که مزاحمت خیابانی در خیابان یا پارک، ۱۶ درصد در وسایل نقلیه عمومی و ۱۴ درصد در سایر اماکن عمومی مانند فروشگاه‌ها یا بارها، برای آنها اتفاق افتاده است. انواع مزاحمت‌های گزارش شده توسط نمونه شامل ۵۷ درصد مزاحمت کلامی، ۲۹ درصد لمس و تماس فیزیکی، ۱۲ درصد دست‌مالی کردن بدن یا قصد انجام آن و ۴ درصد مزاحمت‌ها و رفتارهای غیرکلامی بوده است. تعداد زیادی از آنها مزاحمت خیابانی را با یک پاسخ عاطفی به این تجربه گزارش داده‌اند، به طوری که ۲۰ درصد احساس عصبانیت، ۱۴ درصد احساس ترس، ۷ درصد احساس غافلگیری، ۳ درصد احساس خجالت و ۲ درصد احساس درماندگی را تجربه کرده بودند. فرد تماشاچی مزاحمت خیابانی در ۳۱ درصد موارد، حادثه را گزارش داده بود. در مواقعی که فردی دیگر تماشاچی صحنه بود، این فرد در ۲۶ درصد مواقع در کمک به قربانی، تأثیر مثبت داشت، در ۲۲ درصد مواقع تأثیر منفی و در ۱۹ درصد مواقع تأثیری نداشت.

فاریچایلد^۲ (۲۰۱۰) تحقیق پیمایشی «تأثیر زمینه‌ای بر ادراک زنان از آزارهای بیگانه» را در دو بخش انجام داد. در بخش نخست ۱۶۹۸ پاسخگو مورد پیمایش قرار گرفتند که از این میان ۱۲۷۷ نفر زن بوده و در گروه سنی ۱۵ تا ۷۱ سال قرار داشتند. جذابیت و سن فرد مزاحم، زمان ارتکاب مزاحمت و تنها یا همراه با دیگران بودن فرد قربانی، برخی از متغیرهایی است که تأثیرشان بر احساس ترس و لذت انتخاب شدند. نتایج بخش نخست این تحقیق نشان می‌دهد که وقتی که افراد تنها هستند، شب‌هنگام است و فرد ایجادکننده مزاحمت مسن‌تر و با ظاهر نازیباست، افراد احساس ترس بیشتری می‌کنند. نتایج بخش دوم این تحقیق که بر روی ۸۱۸ پاسخگو انجام گرفت (۴۶۴ نفر زن، سن بین ۱۴ تا ۶۵ سال) نشان می‌دهد که تجربه‌ی «سوت‌زدن، صدای

1. Livingston

2. Fairchild

جیغ یا خیره نگاه کردن» و «توجه ناخوشایند جنسی» توسط ۲۴ درصد از افراد نمونه در هر ماه گزارش شده است. همچنین ۲۷ درصد تجربه «سوت زدن، صدای جیغ یا خیره نگاه کردن» توسط افراد غریبه را کم و بیش به صورت روزانه بیان کرده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که پیشنهاد مزاحمت و مزاحمت جنسی به وسیله مردان جوان‌تر و جذاب‌تر، برای زنان کمتر آزاردهنده می‌باشد.

پاریش^۱ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش «مزاحمت جنسی زنان در مناطق شهری چین» به بررسی کردن انواع و اشکال مزاحمت‌های جنسی در کشور آسیایی چین پرداختند. در این پژوهش پیمایشی داده‌ها از پیمایش سلامت و زندگی خانواده چینیان سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ گرفته شد که در آن ۳۸۲۱ نفر از جمعیت چینی ۲۰ تا ۶۴ ساله شرکت داشتند. بر طبق نتایج این تحقیق که در آن از مصاحبه چهره به چهره استفاده شد، ۱۲٫۵ درصد از کل زنان و ۱۵٫۱ درصد از زنان ساکن شهر میزانی از مزاحمت در سال گذشته را بیان نمودند. همچنین جوان بودن و شاغل بودن زنان از جمله عواملی است که باعث افزایش مزاحمت‌های جنسی نسبت به آنان می‌شود.

نوسک^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی دریافتند که زنان معلول نسبت به زنان غیرمعلول به طور معناداری خودشناسی کمتر و عزت‌نفس پایین‌تری دارند و از لحاظ اجتماعی منزوی‌تر هستند. این تحقیق نشان می‌دهد که تلاش در جهت بهبود وضعیت روان‌شناختی معلولان در توانبخشی آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

در جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین همان‌گونه که در ابتدای این پیوستار اشاره شد، مساله آزار جنسی معلولان در ایران به لحاظ تجربی از غنای قابل‌توجهی برخوردار نبوده و لذا اهمیت مطالعه این مهم از ضرورت‌های تدوین این پژوهش است. در خصوص نتایج مطالعاتی که در سطور پیشین بدان اشاره شد، باید به این نکته اشاره کرد که اغلب پژوهش‌ها تنها به توصیف فراوانی آزار جنسی معلولان پرداخته و از بررسی چرایی وقوع آن چشم پوشیده‌اند یا توجه کمتری بدان مبذول داشته‌اند که همین امر، اهمیت مطالعه حاضر را دوچندان می‌سازد.

1. Parish

2. Nosek

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر، مبتنی بر «نظریه فعالیت‌های روزمره»^۱ و همچنین «نظریه سبک زندگی»^۲ است. نظریه فعالیت‌های روزمره یکی از پرکاربردترین و تأثیرگذارترین ساختارهای نظری در زمینه جرم‌شناسی و به‌طورگسترده‌تر در علوم جنایی است. بر خلاف نظریه‌های جرم و جنایت، که بر شخصیت مجرمانه و عوامل روانی، بیولوژیکی یا اجتماعی انگیزه‌ی عمل مجرمانه تمرکز دارد، محور فعالیت روزمره مطالعه جنایات به عنوان یک رویداد است و برجسته‌سازی رابطه آن با مکان و زمان و تأکید بر ماهیت اکولوژیکی و پیامدهای مرتبط با آن. (کوهن و فلسون، ۱۹۷۹، به نقل از (میرو، ۲۰۱۴، ص. ۲)).

کوهن و فلسون معتقدند که جرم، باید به عنوان یک رویداد در نظر گرفته شود که در یک موقعیت و زمان خاص روی می‌دهد و افراد یا اشیای خاص را درگیر می‌سازد (میلر، ۲۰۰۹، ص. ۲۷۹). هیچ‌کس بدون وجود فرصت‌های محیطی که امکان انجام عمل مجرمانه را میسر می‌سازد، قادر به بزهکاری نیست. حتی اگر میل به ارتکاب بزه در وی وجود داشته باشد. به همین دلیل «فرصت» شرط لازم و ضروری و عامل بروز جرایم می‌باشد (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸، ص. ۴).

با این حال، متخلفان بانگیزه قبل از اینکه مرتکب جرم شوند، باید این فرصت را برای پیدا کردن اهداف بی‌دفاع مناسب، داشته باشند (سیگل، ۲۰۰۷، ص. ۷۸). همین که مناطقی به «کانون‌های جرم‌خیز»^(۱) مشهور می‌شوند، نوعی بازخورد پیدا می‌شود و افراد کمتری در زمان‌های خاص به چنین مناطقی می‌روند. در نتیجه، عدم حضور نگهبان بیشتر شده و مجرمان، افراد حاضر در آن منطقه را، به عنوان قربانیان مناسب جهت عمل خود در نظر می‌گیرند. (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۵-۲۴۴). علاوه بر آن، گفته می‌شود احتمال قربانی شدن در افرادی که الف) در مناطق جرم‌خیز زندگی می‌کنند، ب) در اواخر شب بیرون می‌روند ج) اشیای ارزشمندی مثل ساعت گران‌قیمت، با خود حمل می‌کنند. د) رفتارهای خطرناکی مانند نوشیدن

1. Routine Activity Theory

2. Lifestyle Theory

مشروب انجام می‌دهند و ه) بدون دوستان و خانواده‌ای که مراقب آنها باشند یا آنها را نگاه کنند، هستند، بیشتر است (سیگل، ۲۰۰۷، ص. ۷۹).

کوهن و فلسون مساله تغییرات در جامعه، به خصوص تغییراتی که منتج به نابسامانی اجتماعی می‌گردد را نیز مورد لحاظ قرار دادند (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۴). مثلاً توسعه‌ی وسایل الکترونیکی از قبیل دوربین‌های مداربسته موجب اقدامات پیشگیری‌کننده و کاهش رخدادهای مجرمانه شده‌اند. به عنوان مثال، زمانی که دوربین‌های مداربسته جهت کنترل سه پارکینگ در دانشگاهی در کشور سوریه مورد استفاده قرار گرفت، بزهکاری نه‌تنها در پارکینگ‌های مورد بررسی، بلکه در سایر پارکینگ‌ها که به وسیله‌ی دوربین کنترل نمی‌شدند، نیز کاهش یافت. همچنین، وقتی که به کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ی دانشگاه ویسکانسین ایالات متحده برچسب‌های الکترونیکی زده شد که با خروج بدون اجازه‌ی کتاب‌ها زنگ هشدار به صدا درمی‌آمد، نه‌تنها سرقت کتاب‌ها، بلکه دزدی سایر وسایل موجود مانند نوارهای ویدئویی و کالاهای دیگری که این برچسب را نداشتند نیز کاهش یافت (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸، ص. ۷۱-۷۰).

نظریه سبک زندگی

مایکل هیندلانگ^۱، مایکل گاتفردسون^۲ و جیمز گاروفالو^۳، به عنوان بنیانگذاران نظریه شیوه زندگی (۱۹۷۸) قربانی‌سازی را با استفاده از مدلی که در آن سبک‌های مختلف زندگی منجر به قرار گرفتن در معرض محیط‌های جرم‌زا (یا قربانی‌کننده) متمایز که در آنها احتمال قربانی شدن بیشتر رخ می‌دهد، توضیح دادند (اینگستورم، ۲۰۱۸، ص. ۹۰۱). به عنوان مثال، آنها ادعا می‌کنند که شرکت در رفتارهای پرخطر - مانند سرقت و مصرف مواد مخدر یا...- لزوماً تضمین نمی‌کند که فرد قربانی شود، اما مشارکت در چنین رفتاری احتمال وقوع آن را بالا می‌برد. از طرف دیگر، در مورد همگرایی مجرمین با انگیزه، اهداف مناسب و نبود نگاهبانان توانا، کوهن و

-
1. Michael Hindelang
 2. Michael Gottfredson
 3. James Garofalo

فلسون ادعا می‌کنند که «فقدان هریک از این عناصر برای جلوگیری از انجام موفقیت‌آمیز جنایتی با تماس مستقیم کافی است.» در نتیجه این مفهوم مربوط به احتمال قربانی شدن شخص نیست، بلکه در عوض توصیف خود واقعه قربانی شدن است (پرات و تورانویک، ۲۰۱۶، ص. ۳۳۶).

در معرض قرار گرفتن^۱

کوهن و فلسون (۱۹۶۹) ادعا می‌کنند که مواجهه بین یک مجرم با انگیزه^۲، یک هدف مناسب^۳ و عدم حضور محافظ توانمند^۴ موجب افزایش خطر قربانی شدن می‌شود. مطابق با این نظریه کلان، هنگامی که ساختارهای اجتماعی در معرض قرار گرفتن اهداف مناسب برای مجرمان با انگیزه را افزایش می‌دهند، خطر قربانی شدن بیشتر می‌شود. افزایش در معرض قرار گرفتن به تغییرات در الگوهای روزمره در عرصه‌هایی مانند کار، مدرسه و فعالیت‌های اوقات فراغت نسبت داده می‌شود. این الگوهای معمول ممکن است در زمان صرف‌شده دور از خانه یا حضور نگهبانان توانا تأثیر بگذارد و بنابراین ممکن است در معرض مجرمان قرار گرفتن را افزایش دهد. (گان، ۲۰۱۸، ص. ۱۰). این خصوصیات شخصی (یعنی سن، نژاد، جنس، وضعیت تأهل و غیره) در شکل‌پذیری سبک زندگی تأثیر می‌گذارد و به اثبات رسیده است که الگوهای سبک زندگی بر احتمال در معرض مجرمان قرار گرفتن تأثیر می‌گذارد (پرات و تورانویک، ۲۰۱۶، ص. ۳۳۶). در مقابل، مردم می‌توانند احتمال قربانی شدن خود را با اتخاذ شیوه زندگی که در معرض خطر قرار گرفتن آنها را محدود می‌کند، کاهش دهند مانند ازدواج، داشتن فرزند و نقل مکان به شهری کوچک (سیگل، ۲۰۰۷، ص. ۷۷).

افرادی که در مناطق محافظت‌نشده زندگی می‌کنند در معرض مجرمان با انگیزه هستند. سبک زندگی بر فرصت جرم تأثیر می‌گذارد زیرا نزدیکی فرد با مجرمان، زمان

-
1. Exposure
 2. Motivated offender
 3. Suitable Target
 4. Capable Guardian

قرارگرفتن در معرض مجرمان، جذابیت به عنوان یک هدف و توانایی محافظت‌شدن را کنترل می‌کند. عوامل محیطی، مانند ساختار فیزیکی و سبک فرهنگی، می‌توانند فرصت جنایی را تسهیل یا محدود کنند. (سیگل, ۲۰۰۷, ص. ۷۹).

سبک‌های زندگی پرخطر^۱

افرادی که سبک زندگی پرخطر دارند - نوشیدن الکل، مصرف موادمخدر، ارتکاب جرایم - احتمال قربانی‌شدن بسیار زیادی دارند. گروه‌هایی که زندگی بسیار پرخطری دارند، مانند جوانان فراری که در خیابان زندگی می‌کنند، در معرض خطر بالای قربانی‌شدن قرار دارند. چنین افرادی هرچه زمان بیشتری در معرض زندگی خیابانی قرار گیرند، خطر تبدیل به قربانی جرم‌شدن‌شان بیشتر می‌شود. باید گفت، قربانیان دارای ویژگی‌های شخصیتی‌ای هستند که عموماً در نقض‌کنندگان قانون وجود دارد یعنی بی‌احتیاطی (عدم احتیاط) و خودکنترلی پایین. (سیگل, ۲۰۰۷, ص. ۷۸).

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش به روش علی صورت گرفته است و جمع‌آوری داده نیز بر پایه پرسش‌نامه محقق ساخته، بوده است. گویه‌ها و سوالات پرسش‌نامه از تحقیقات موجود در این زمینه من جمله (گان, ۲۰۱۸) و (علیمردانی, ۱۳۹۴) و (فینکلر و آسدیجیان, ۱۹۹۶) اخذ شده است.

جامعه آماری، شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

جدول ۱. جمعیت شهرهای مورد مطالعه (منبع: بهزیستی استان مازندران)

شهر	جمعیت کل	جمعیت زنان	جمعیت معلولان	جمعیت معلولان زن
ساری	۳۴۸۳۵۸	۱۷۷۰۳۴	۸۱۲۴	۳۴۵۲
بابل	۳۰۷۴۲۰	۱۵۳۸۲۸	۱۰۳۶۳	۴۱۹۲
نور	۵۴۲۸۱	۲۷۰۱۸	۱۶۵۳	۶۱۵
بهشهر	۱۶۸۷۶۹	۸۳۴۵۰	۲۸۴۸	۱۱۵۸
جمع	۸۷۸۸۲۸	۴۴۱۳۳۰	۲۳۶۸۸	۹۴۱۷
جمع کل معلولان استان	۵۵۵۵۲		جمع کل معلولان زن استان	۲۱۵۷۵

جمعیت پژوهش حاضر تمامی زنان و دختران معلول استان مازندران است که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و موقعیت جغرافیایی استان مازندران، به چهار نقطه - ساری، بابل، بهشهر و نور- تقسیم و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی ساده استفاده شده است. در مجموع ۹۴۱۷ نفر از زنان دارای معلولیت شهرهای مزبور، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. حجم نمونه بر حسب خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۶۹ نفر در نظر گرفته شد. از آنجایی که همواره احتمال مخدوش شدن پرسش‌نامه‌ها از سوی پاسخگویان وجود دارد، تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه در بین افراد توزیع شد و پس از کنار نهادن پرسش‌نامه‌های مخدوش نهایتاً ۳۴۳ پرسش‌نامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت.

متغیرهای پژوهش

آزار جنسی کلامی

گفتن داستان‌ها، شوخی‌ها و طنزهای جنسی، پرسیدن سوال‌هایی در رابطه با زندگی شخصی و یا جنسی فرد؛ کنایه‌های جنسی در کلام و گفتار؛ اظهار نظر جنسی در خصوص لباس، زیبایی و ظاهر زن، ارائه پیشنهاد جنسی ناخواسته؛ پیشنهاد جهت ادامه ارتباط خارج از محیط کار (صادقی و رجب، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۶). در تحقیق حاضر آزارهای کلامی به دو دسته ۱- متلک‌پرانی، ۲- پیشنهاد و تهدید جنسی تقسیم شده است. به این صورت که از پاسخگویان خواسته شده تا با توجه به انواع آزار عنوان شده در گویه‌ها، میزان برخورد با آنها را در طی یک‌سال گذشته، از هرگز (هیچ‌گاه)، یک الی سه بار (به ندرت)، چهار الی هشت بار (گاهی‌اوقات)، هشت الی پانزده بار (اغلب‌اوقات) و بیش از پانزده بار (همیشه) مشخص کنند.

اهداف مناسب

فینکلر و آسیدیچیان (۱۹۹۶) مناسب بودن هدف را به منظور گنجانیدن ویژگی‌های منحصر به فرد برای افراد بازآفرینی کردند. در این بازآفرینی، هدف مناسب را به سه دسته مجزا تقسیم کردند که شامل: آسیب‌پذیری هدف، قابلیت دسترسی به هدف (مطلوبیت هدف) و خصومت با هدف است. در تحقیق حاضر و با توجه به

پژوهش (گان، ۲۰۱۸) (سیگل، ۲۰۰۷) (فینکلر و آسدیجیان، ۱۹۹۶) و (فیشر و همکاران، ۲۰۱۲)، اهداف مناسب با سه بُعد (آسیب‌پذیری هدف، قابلیت دسترسی به هدف و خصومت نسبت به هدف) موردسنجش قرار گرفت. مُعرف‌های مربوط به بُعد آسیب‌پذیری هدف شامل (عدم موفقیت تحصیلی / شغلی، استفاده از علایم بارز معلولیت) است. معرف‌های مربوط به بُعد قابلیت دسترسی به هدف دربرگیرنده سه معرف (ضعف جسمانی، کوچک‌بودن جثه و اضافه‌وزن) است. بُعد خصومت نسبت به هدف نیز (وابستگی) را دربرمی‌گیرد. گویه‌های مربوط به متغیر اهداف مناسب با استفاده از تحقیقات پیشین گردآوری شده است (گان، ۲۰۱۸)، (بونز، ۲۰۱۳) و (فینکلر و آسدیجیان، ۱۹۹۶) و پاسخ‌ها از (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف دسته‌بندی شده است.

حضور محافظ توانمند

منظور از محافظ هر شخص یا شیء یا حیوانی است که حضور موثر آن موجب بازدارندگی از جرم شود. آنچه که مهم می‌باشد، این است که در صورت عدم وجود محافظ، هر هدفی به طور خاص در معرض خطر رخداد مجرمانه قرار می‌گیرد (محمدنسل، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۷). در پژوهش حاضر، با توجه به پژوهش مارکوم و همکاران (۲۰۱۰) متغیر نبودن نگهبان توانمند دارای دو بعد فیزیکی و اجتماعی است. بعد فیزیکی با داشتن مُعرف‌هایی همچون (درب قفل‌دار، آیفون، حیوان خانگی، گشت پلیس و محیط مناسب) موردسنجش قرار خواهد گرفت. در رابطه با بعد اجتماعی، معرف‌ها شامل شرایط زندگی (زندگی تنها یا زندگی با والدین / مراقب)، افرادی که با آنها احساس نزدیکی و راحتی دارد (کیفیت رابطه) و نظارت خانواده است. به منظور سنجش این متغیر، ۱۵ گویه مورد استفاده قرار گرفت؛ پاسخ به سوال‌های این متغیر بر اساس طیف لیکرت در پنج سطح از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف دسته‌بندی شده است. مُعرف‌ها نیز برگرفته از تحقیقات است (گان، ۲۰۱۸) و (فینکلر و آسدیجیان، ۱۹۹۶).

سبک زندگی

«سبک زندگی» به الگوهای فعالیتی مانند رفتن به محل کار، حضور در مدرسه و درگیر

فعالیت‌های اوقات فراغت بودن، اشاره دارد (گان، ۲۰۱۸، ص. ۷). در پژوهش حاضر و با توجه به پژوهش (گان، ۲۰۱۸)، (سیگل، ۲۰۰۷)، سبک زندگی با دو بُعد مواجهه در معرض بودن و انجام رفتار پرخطر موردسنجش قرار گرفت. مُعرف‌های مربوط به بُعد مواجهه شامل (اشتغال و مدت زمانی که خارج از خانه سپری می‌شود، زندگی در مناطق جرم‌خیز و عضویت در گروه‌های بزهکار) است. مُعرف‌های مربوط به بُعد انجام رفتار پرخطر دربرگیرنده چهار مُعرف (مصرف مشروبات الکلی یا مواد مخدر، فرار از خانه، ارتکاب جرم و انحراف جنسی) است. گویه‌های مربوط به این متغیر با استفاده از تحقیقات پیشین گردآوری شده است (علی‌مردانی، ۱۳۹۴) (گان، ۲۰۱۸) و پاسخ‌ها از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف تنظیم شده است.

اعتبار و پایایی

در تحقیق حاضر به منظور تعیین اعتبار شاخص‌ها از اعتبار سازه نظری استفاده شده است. همچنین برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج سنجش پایایی مقیاس‌های پژوهش در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۲. ضریب پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
اهداف مناسب	۱۴	۰/۷۶
حضور محافظ توانمند	۱۵	۰/۸۶
سبک زندگی	۳۰	۰/۷۸
آزار جنسی کلامی	۱۲	۰/۹۰

ارائه یافته‌ها

اغلب پاسخگویان معادل ۱۶۴ نفر و ۴۱ درصد ۱۴ساله بودند. اغلب پاسخگویان معادل ۴۸/۱ درصد مجرد و ۴۰/۲ درصد متأهل بودند. ۱۰/۸ درصد نیز گزینه سایر را انتخاب کردند. اغلب پاسخگویان که معادل ۴۴ درصد آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل دادند، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند. پس از آن، اغلب پاسخگویان که برابر با ۲۲/۷ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد و بالاتر بودند. در مقابل کمترین تعداد پاسخگویان را افرادی تشکیل

دادند که در پاسخ به متغیر تحصیلات، گزینه بی‌سواد را انتخاب کردند (۰/۹). اغلب پاسخگویان که معادل ۳۹/۶۵ درصد آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل دادند، ساکن شهر ساری، در مقابل افراد ساکن شهر نوشهر ۱۱/۳۷ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند که کمترین میزان فراوانی را در بین پاسخگویان این پژوهش به خود اختصاص دادند.

اغلب پاسخگویان که معادل ۲۳/۳ درصد آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل دادند، دچار معلولیت جسمی - حرکتی بودند. پس از آن، اغلب پاسخگویان که برابر با ۲۲/۷ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند، دچار معلولیت شنوایی بودند. سومین گروه از پاسخگویان به لحاظ فراوانی در نوع معلولیت، پاسخگویانی بودند که دچار اختلال در گفتار بودند (۱۷/۸ درصد). پس از آن، افراد دچار معلولیت بینایی ۱۳/۴ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند و پاسخگویان دچار سایر معلولیت‌ها ۱۲/۵ درصد را به خود اختصاص دادند. در مقابل افراد دچار معلولیت ذهنی ۱۰/۲ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند. اغلب پاسخگویان که معادل ۳۱/۸ درصد آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل دادند، دچار معلولیت شدید بودند. پس از آن، اغلب پاسخگویان که برابر با ۲۶/۸ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند، دچار معلولیت متوسط بودند. سومین گروه از پاسخگویان به لحاظ فراوانی در شدت معلولیت، پاسخگویانی بودند که دچار معلولیت خیلی شدید بودند (۱۹/۸ درصد). پس از آن، افراد دچار معلولیت خفیف ۱۵/۲ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند. در مقابل افراد دچار معلولیت خیلی خفیف ۶/۴ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل دادند که شدت معلولیت مذکور کمترین میزان فراوانی را در بین پاسخگویان این پژوهش به خود اختصاص داد.

اغلب پاسخگویان که معادل ۶۳/۸ درصد آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل دادند، دچار معلولیت پس از تولد بودند و مابقی آزمودنی‌ها دچار معلولیت از بدو تولد بودند (۳۶/۲ درصد).

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیر اهداف مناسب و ابعاد آن

آماره‌های توصیفی		متغیرها/ابعاد
انحراف معیار	میانگین	
۸/۰۷	۳۸/۱۱	اهداف مناسب
3/78	۱۸/۲۸	آسیب‌پذیری هدف
۳/۲۳	۱۱/۲۰	قابلیت دسترسی به هدف
۳/۴۷	۸/۶۲	خصوصیت نسبت به هدف

جدول فوق حاکی از آماره‌های توصیفی متغیر اهداف مناسب و ابعاد سه‌گانه آن است.

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی متغیر حضور محافظ توانمند و ابعاد آن

آماره‌های توصیفی		متغیرها/ابعاد
انحراف معیار	میانگین	
۸/۹۲	۳۳/۲۷	حضور محافظ توانمند
۴/۲۹	۱۲/۳۱	فیزیکی
۶/۳۴	۲۰/۹۵	اجتماعی

جدول فوق حاکی از آماره‌های توصیفی متغیر حضور محافظ توانمند و ابعاد دو گانه آن می‌باشد.

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی متغیر سبک زندگی و ابعاد آن

آماره‌های توصیفی		متغیرها/ابعاد
انحراف معیار	میانگین	
۱۱/۹۲	۸۱/۶۹	سبک زندگی
۶/۶۳	۵۱/۷۶	مواجهه با خطر
۹/۱۲	۲۹/۹۲	انجام رفتار پرخطر

جدول فوق حاکی از آماره‌های توصیفی متغیر حضور سبک زندگی و ابعاد دوگانه آن است.

جدول ۶. شاخص‌های توصیفی متغیر آزار جنسی کلامی و ابعاد آن

آماره‌های توصیفی		متغیرها/ابعاد
انحراف معیار	میانگین	
۷/۹۹	۳۷/۳۲	آزار جنسی کلامی
۴/۲۵	۱۲/۳۹	متلک‌پرانی
۴/۳۸	۱۴/۹۳	پیشنهاد تهدید جنسی

جدول فوق حاکی از آماره‌های توصیفی متغیر آزار جنسی کلامی و ابعاد دوگانه آن است.

یافته‌های استنباطی

جدول ۷. آزمون همبستگی متغیر آزار جنسی کلامی و اهداف مناسب

ضریب همبستگی	سطح معناداری (Sig)	تعداد	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۱۸۷	۰/۰۰۰	۳۴۳	آزار جنسی کلامی	اهداف مناسب

بر اساس سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرضیه اول تأیید می‌شود. همچنین؛ بر اساس اعداد R پیرسون به دست آمده (۰/۱۸۷) در سطح سنجش فاصله‌ای، ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر اهداف مناسب و آزار جنسی کلامی معلولان تأیید شده است.

جدول ۸. آزمون همبستگی متغیر آزار جنسی کلامی و حضور محافظ توانمند

ضریب همبستگی	سطح معناداری (Sig)	تعداد	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۱۰۵	۰/۰۵۱	۳۴۳	آزار جنسی کلامی	حضور محافظ توانمند

بر اساس سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۵۱) فرضیه دوم مورد تأیید قرار نگرفت. همچنین؛ بر اساس اعداد R پیرسون به دست آمده (۰/۱۰۵) در سطح سنجش فاصله‌ای و همچنین سطح معناداری مشاهده شده (بیشتر از ۰/۰۵) ارتباط بین دو متغیر حضور محافظ توانمند و آزار جنسی کلامی مورد تأیید قرار نگرفت.

جدول ۹. آزمون همبستگی متغیر آزار جنسی کلامی و سبک زندگی

ضریب همبستگی	سطح معناداری (Sig)	تعداد	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۵۰۴	۰/۰۰۰	۳۴۳	آزار جنسی کلامی	سبک زندگی

بر اساس سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرضیه سوم تأیید می‌شود. همچنین؛ بر اساس اعداد R پیرسون به دست آمده (۰/۵۰۴) در سطح سنجش فاصله‌ای، ارتباط مستقیم و مثبت میان دو متغیر سبک زندگی و آزار جنسی کلامی معلولان تأیید شده است.

جدول ۱۰. آزمون رگرسیونی تبیین کننده آزار جنسی کلامی

سطح معناداری	ضریب غیراستاندارد B	ضریب استاندارد Beta	تعداد	متغیر وابسته	متغیر مستقل
					اهداف مناسب
۰/۰۰۰	۰/۱۶۹	۰/۱۷۰	۳۴۳	آزار جنسی کلامی	اهداف مناسب
۰/۰۹۳	۰/۰۹۹	۰/۱۰۱	۳۴۳		حضور محافظ توانمند
۰/۰۰۰	۰/۳۲۸	۰/۴۸۹	۳۴۳		سبک زندگی

در جدول بالا نتایج حاصل از آزمون رگرسیونی چندمتغیره جهت تبیین متغیر وابسته آزار جنسی کلامی بیان شده است. با توجه به سطوح معنی داری مندرج در جدول

می‌توان نتیجه گرفت که متغیر سبک زندگی با مقدار بتای ۰/۴۸۹ و تأثیرگذاری مثبت و مستقیم، بیشترین تأثیر را بر آزار جنسی کلامی پاسخگویان داشته است. دومین متغیر به لحاظ تأثیرگذاری متغیر اهداف مناسب با مقدار بتای ۰/۱۷۰ و تأثیر مثبت و مستقیم بر آزار جنسی کلامی پاسخگویان است. اما در مقابل، با مشاهده اعداد واقع در جدول، درمی‌یابیم که متغیر حضور محافظ توانمند با مقدار بتای ۰/۱۰۱ و سطح معناداری ۰/۰۹۳ اثر معناداری بر آزار جنسی کلامی پاسخگویان نداشته است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر مطالعه عوامل اجتماعی موثر بر آزار جنسی کلامی زنان معلول استان مازندران بوده است. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر نظریه فعالیت‌های روزمره و نظریه سبک زندگی بوده است. نتایج حاصل از به کارگیری آماره‌های توصیفی و استنباطی حاکی از این است که فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه آزار جنسی کلامی معلولین تابع اهداف مناسب است، مورد تأیید قرار گرفت (بتا: ۰/۱۷۰). از نظر بزه‌دیده‌شناسی نخستین، برخی از افراد یا اهداف جذابیت ویژه‌ای برای بزه‌کاران ایجاد می‌کنند که در مباحث جرم‌شناسی از آنان با عنوان بزه‌دیدگان بالقوه یاد می‌شود. افزون بر این، آنان به عنوان آماج‌های جرم، نقش تعیین‌کننده‌ای در فعلیت یافتن اندیشه‌های مجرمانه ایفاء می‌کنند. به علاوه خصوصیات زیستی، جایگاه اجتماعی افراد و رابطه‌ای که با بزه‌کاران دارند، در انتخاب‌شان توسط بزه‌کاران تأثیرگذار است (جوان و شاهیده، ۱۳۹۳، ص. ۴۳). وجود شماری از ویژگی‌ها در افراد، اموال و یا مکان‌ها، آنان را به هدف‌های بالقوه‌ی جرم تبدیل خواهد کرد و امکان بزه‌دید واقع شدن آنها را به نسبت سایرین، بالاتر می‌برد. این شرایط و ویژگی‌ها در خصوص جرایم مختلف، متفاوت است (محمدنسل، ۱۳۸۶، ص. ۲۹۶). به عبارت دیگر منظور از اهداف مناسب این است که برای مجرم بالقوه باید چیز ارزشمندی وجود داشته باشد که ممکن است شامل اموال جذاب یا روزنه‌ای جهت انجام فعالیت‌های احساسی رضایت‌آمیز از جمله بیان خشم و نفرت، پیگیری هیجان یا انجام فعالیت‌های جنسی و سایر مؤلفه‌ها باشد (براون و همکاران، ۲۰۱۰، ص. ۱۷۳).

فینکلر و آسیجیان (۱۹۹۶) مناسب بودن هدف را به منظور گنجاندن

ویژگی‌های منحصر به فرد برای افراد بازآفرینی کردند. در این بازآفرینی، محققین هدف مناسب را به سه دسته مجزا تقسیم کردند که شامل: آسیب‌پذیری هدف^۱، قابلیت دسترسی به هدف (مطلوبیت هدف)^۲ و خصومت نسبت به هدف^۳ است.

۱- آسیب‌پذیری هدف با ویژگی‌های فردی مشخص می‌شود که به دلیل عدم توانایی‌اش در جلوگیری از جرم، خطر را افزایش می‌دهد. این ویژگی‌ها شامل مشکلات روانی و محدودیت‌های جسمی می‌شود.

۲- قابلیت دسترسی به هدف؛ ویژگی‌ها، مهارت‌ها یا اشیایی است که فرد دارد و متخلفان ممکن است آن را مطلوب بدانند.

۳- سومین ویژگی اشاره به خصوصیاتی دارد که احساسات منفی مانند عصبانیت و حسادت را تحریک می‌کنند و می‌توانند منجر به انگیزه‌های مخرب شوند (فینکلر و آسیدیجیان، ۱۹۹۶، ص. ۶). به عنوان مثال، سنگینی مسئولیت مراقبت از معلولین می‌تواند منجر به استرس شود که احتمال حمله والدین یا مراقبان را افزایش می‌دهد (گان، ۲۰۱۸، ص. ۱۲). آزمون تجربی این ایده‌ها نشان داد که عوامل متجانس هدف (یعنی آسیب‌پذیری هدف، مطلوبیت و خصومت) تأثیر معنی‌داری بر انواع مختلف حمله (یعنی غیرخانوادگی، جنسی و والدین) دارند (فینکلر و آسیدیجیان، ۱۹۹۶، ص. ۱۲). به ویژه، افراد دارای مشکلات روانی و همچنین افراد دارای شرایط محدود (یعنی معلولیت) بیشتر احتمال قربانی شدن دارند آزمون بیشتر آسیب‌پذیری هدف، نتایج مشابهی را به همراه داشته است. این ویژگی‌های آسیب‌پذیری شامل: موفقیت‌های تحصیلی، تعداد دوستان و شرایط زندگی (یعنی زندگی تنها یا زندگی با یکی از والدین / مراقب) است. تجزیه و تحلیل این متغیرها نشان داد که داشتن ناتوانی ذهنی، دستیابی به تحصیلات پایین، داشتن تعداد کم دوستان و زندگی در خارج از خانه احتمال قربانی شدن را افزایش داده است (فیشر و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۳۶).

در رابطه با موفقیت تحصیلی باید گفت به طور معمول، افراد دارای معلولیت، سطح پایین‌تری از سطح تحصیلات را نسبت به هم‌تایان غیرمعلول خود به دست

-
1. Target Vulnerability
 2. Target Gratifiability
 3. Target Antagonism

می‌آورند. سطح پایین تحصیلات با افزایش خطر قربانی شدن همراه است (گان، ۲۰۱۸، ص. ۲۶).

بونز (۲۰۱۳) رابطه بین ویژگی‌های آسیب‌پذیری (یعنی داشتن ناتوانی و جنسیت) و قربانی خشونت‌شدن در بزرگسالان را بررسی کرد. او با ترکیب فعالیت‌های روزمره و رویکرد سبک زندگی، معلولیت و اینکه آیا فرد دارای «علایم قابل ملاحظه ناتوانی» است یا خیر را به عنوان یک شرط محدودکننده در فعالیت‌های روزمره ارزیابی کرد. این علامت‌ها شامل: استفاده از «بریس، عصا، ویلچر یا وسیله دیگر به دلیل ناتوانی» است. تجزیه و تحلیل متغیرهای این تحقیق نشان داد که افزایش قربانی شدن را می‌توان به علایم قابل رویت ناتوانی نسبت داد. شواهد به دست آمده از این ایده پشتیبانی می‌کند که احتمال بیشتری وجود دارد که مجرمان با انگیزه افرادی را انتخاب کنند که آنها را آسیب‌پذیر می‌دانند.

همچنین تجزیه و تحلیل‌ها نشان داد که عوامل سطح فردی و محیطی ممکن است در کاهش یا افزایش خطر احتمالی نقش داشته باشند. به ویژه، عدم پیشرفت تحصیلی، رضایت از تعداد دوستان در شبکه همسالان خود و دشواری‌های فعالیت‌های روزمره زندگی، بر خطر قربانی شدن تأثیر می‌گذارد.

وابستگی: وابستگی به دیگران برای انجام فعالیت‌های روزمره زندگی در تجزیه و تحلیل گنجانده شده است. جهت سنجش این متغیر پرسیده شد که آیا شرکت‌کنندگان در کارهایی مانند تهیه و خوردن غذا، پوشیدن لباس یا انجام شستشوی روزمره دچار مشکل هستند یا خیر. این موارد از آنجا که برای کارهای روزمره حیاتی است، مورد استفاده قرار گرفت. یعنی افرادی که در کارهای ساده مانند لباس پوشیدن و غذا خوردن نیاز به کمک دارند، میزان وابستگی خاصی را نشان می‌دهند (گان، ۲۰۱۸، ص. ۴).

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه آزار جنسی کلامی معلولین تابع حضور محافظ توانمند است، مورد تأیید قرار نگرفت (بتا: ۰/۱۰۱) و فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه آزار جنسی کلامی معلولین تابعی از سبک زندگی آنهاست با مقدار بتای ۰/۴۸۹ مورد تأیید قرار گرفته است. مطابق این رویکرد، برخی افراد به شیوه‌ای

زندگی می‌کنند که بزه‌دیدگی برای آنها افزایش می‌یابد. بنابراین در این حالت، برخی سبک‌های زندگی فرصت‌های جرم را ایجاد می‌کنند و احتمال قربانی شدن را نیز افزایش می‌دهند (بننت، ۱۹۹۸، ص. ۳۷۳). مایکل هیندلانگ، مایکل گاتفردسون و جیمز گاروفالو، به عنوان بنیانگذاران نظریه شیوه زندگی (۱۹۷۸) قربانی سازی را با استفاده از مدلی که در آن سبک‌های مختلف زندگی منجر به قرارگرفتن در معرض محیط‌های جرم‌زا (یا قربانی‌کننده‌ی) متمایز که در آنها احتمال قربانی شدن بیشتر رخ می‌دهد، توضیح دادند.

این نظریه چنین استدلال می‌کند که سبک‌های مختلف زندگی با خطر بودن در مکان‌های خاص، در زمان‌های خاص، تحت شرایط خاص و تعامل با انواع خاصی از افراد، مرتبط است. بنابراین، نظریه سبک زندگی بر چگونگی تأثیرگذاری سبک زندگی بر خطر یا احتمال قربانی شدن تأکید می‌کند، (اینگستورم، ۲۰۱۸، ص. ۹۰۱). لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که مفروضات نظری یادشده در پژوهش حاضر مورد تأیید واقع شده است.

در پایان پیشنهاد می‌شود جهت اظهار نظر قاطعانه‌تر و بهتر در مورد نتایج حاصل از این پژوهش، پژوهش‌های دیگری در همین زمینه و در محیط‌های دیگر انجام شود تا بتوان با فراهم‌سازی امکان مقایسه، قدرت تعمیم نتایج را افزایش داد.

پی‌نوشت

۱. Crime hotspots: مناطقی از شهر که در آن بیشترین آمار ارتکاب جرم وجود دارد.

منابع و ماخذ

فهرست منابع فارسی

الف: کتاب

فلسون، مارکوس؛ کلارک، رونالد وی (۱۳۸۸)، فرصت و بزهکاری: نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزهکاری، ترجمه محسن کلانتری، سمیه قزلباش، زنجان: نشر دانش زنجان.
ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین دی (۱۳۸۶)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر میزان.

ب: نشریه

اسحاقی، محمد (۱۳۸۲)، «آزار جنسی زنان در یک بررسی حقوقی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۰: ۴۳-۱.
آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۳)، «تکثر خشونت در مزاحمت‌های خیابانی»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره ۲۳: ۱۸۸-۱۶۰.
جوان جعفری، عبدالرضا؛ شاهیده، فرهاد (۱۳۹۳)، «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرایم جنسی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۷: ۷۱-۴۱.
سروریان، محمدکمال (۱۳۸۳)، «خشونت علیه زنان در فرانسه و آمریکا»، (کتاب زنان سابق)، سال ششم، شماره ۲۳: ۳۲۳-۳۰۱.
صادقی فسایی، سهیلا؛ رجب لاریجانی مهسا (۱۳۸۹)، «مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار» فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره هشتم، شماره ۳: ۱۳۴-۱۱۱.
علیمردانی، منا (۱۳۹۴)، بررسی جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه

مازندران: آزمون تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر اکبر علیوردی نیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.

محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۶)، «اصول و مبانی نظریه فرصت جرم»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۳، صص ۲۹۳-۳۲۲.

یسلیانی، فرزانه (۱۳۸۸)، بررسی فراوانی و برخی عوامل موثر بر خشونت خانگی جسمی علیه زنان معلول مقیم در شهرستان‌های اصفهان و فریدن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر امیرمحمود حریرچی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی گروه آموزشی مددکاری اجتماعی.

فهرست منابع انگلیسی

Book

- Bennett, Trevor (1998), "**Crime Prevention**", in: *The Handbook of Crime and Punishment*, Edited by Michael Tonry, New York: Oxford University Press.
- Brown, Stephen E; Esbensen, Finn-Aage; Geis, Gilbert, (2010), **Criminology: explaining crime and its context**, 7th Edition, , Cincinnati, Ohio: Anderson Publishing.
- Miller, J. Mitchell (Ed), (2009), **21th Century Criminology A Reference Handbook**, USA: SAGE Publications.
- Miro, Fernando, (2014), **The Encyclopedia of Theoretical Criminology Online: Routine Activity Theory**, Edited by J Mitchell Miller, Hoboken, New Jersey: Blackwell Publishing Ltd.
- Siegel, Larry J, (2007), **Criminology, Theories, Patterns, And Typologies**, 10th Edition, USA: Wadsworth, Cengage Learning.
- Sobsey, Dick. (1994). **Violence and abuse in the lives of people with disabilities: The end of silent acceptance?**, In book : *Practice Issues in Sexuality and Learning Disabilities*, Edited by Ann Craft, 1st Edition, England, Thames, Oxfordshire: UK Routledge.

Essay

- Bones, P. D. (2013), "Perceptions of vulnerability: A target characteristics approach to disability, gender, and victimization". **Deviant Behavior**,

34(9): 727-750.

- Chiodo, Debbie, Wolfe, David A, Crooks, Claire, Hughes, Ray, Jaffe, Peter (2009), "Impact of Sexual Harassment Victimization by Peers on Subsequent Adolescent Victimization and Adjustment: A Longitudinal Study", **Journal of Adolescent Health**, 45: 246-252.
- Engström, Alexander, (2018), "Associations between Risky Lifestyles and Involvement in Violent Crime during Adolescence", **Victims & Offenders**, 13(7): 898-920.
- Fairchild Kimberly (2010), "Context Effects on Women's Perceptions of Stranger Harassment", **Sexuality & Culture**, 14:191-216.
- Finkelhor, David, Asdigian, Nancy (1996), "Risky Factors for Youth Victimization: Beyond a Lifestyle/Routine Activities Theory Approach", **Violence and Victims**, 11(1): 3-19.
- Fisher, M. H., Moskowitz, A. L., & Hodapp, R. M. (2012). "Vulnerability and experiences related to social victimization among individuals with intellectual and developmental disabilities". **Journal of mental health research in intellectual disabilities**, 5(1):32-48.
- Gann, Taylor L., (2018), "**Disability Status And Victimization: An Examination Of Mediating Factors On Risk**", A Thesis Submitted In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Master Of Science In The Andrew Young School Of Policy Studies Of Georgia State University, Thesis Chair: Dr. Brent Teasdale.
- Gilson, Stephen French; Depoy, Elizabeth; Cramer, Elizabeth P., (2001), "Linking the Assessment of Self-Reported Functional Capacity With Abuse Experiences of Women With Disabilities", **Violence Against Women**, 7(4) : 418-431.
- Livingston, Beth A, KC Wagner, Sarah T. Diaz & Angela Lu(2013), "The Experience of Being Targets of Street Harassment in NYC: Preliminary Findings From Qualitative Study of a Sample of 223 Voice Who Hollaback!", The worker institute at Cornell Equality at Work , **Cornell University IRL School**, pp: 1-6.
- Marcum, Catherine D; Richetts, Melissa L; Higgins, George E, (2010), "Assessing Sex Experiences of Online Victimization: An Examination of Adolescent Online Behaviors Using Routine Activity Theory", **Journal of Criminal Justice Review**, 35: 412-437.

- Noah, Y. (2008). "Experience of Sexual Harassment at Work by Female Employer in Nigerian work Environment." **International NGO Journal**,3(7): 122-127.
- Nosek MA, Hughes RB, Swedlund N, Taylor HB, Swank P., (2003), "Self-esteem and women with disabilities". **Soc Sci Med**; 56(8): 1737-1747.
- Olofsson, Niclas; Lindqvist, Kent; Danielsson, Ingela, (2014), "Higher Risk of Violence Exposure in Men and Women With Physical or Sensory Disabilities: Results From a Public Health Survey", **Journal of Interpersonal Violence**, 30(10): 1671-1686.
- Parish, William L; Das, Aniruddha; Laumann, Edward (2006), "Sexual Harassment of Women in Urban China", **Archives Sex Behavior**, 35(4): 411-425.
- Pratt, Travis C.; Turanovic, Jillian J, (2016), "Lifestyle and Routine Activity Theories Revisited: The Importance of "Risk" to the Study of Victimization", **Victims & Offenders**,11 :335 –354.
- Rosewarne, Lauren (2004), "Visual Terror: Graffiti and Outdoor Advertising as Street Harassment", **Australasian Political Studies Association**,:1-18.
- Young, M.E., Nosek, M.A., Howland, C., & Chanpong, G. (1997). "Prevalence of abuse of women with physical disabilities". **Archives of Physical Medicine and Rehabilitation**,78: 34-38.

References

- Aghajani, Nasrollah,(2004) "The Multiplicity Of Violence In Street Harassment", **Quarterly Journal of Women's Social Cultural Council**, 6(23):160-188. [In Persian]
- Alimardani, Mona,(2015) Dissertation "Sociological study of deviant behaviors of students of Mazandaran University: Experimental test of Routine activity theory", Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University: 1-142. [In Persian]
- Bennet, Trever,(1998), "**Crime and Prevention**", in: The Handbook of Crime and Punishment, Edited by Michael Tonry, New York, Oxford University Press.
- Bones, P. D.,(2013) "Perceptions of vulnerability: A target characteristics approach to disability, gender, and victimization:". **Deviant Behavior**, 34(9): 727-750.
- Branic, Nicholas,(2014), "Routine Activities Theory", In W.G.Jennings(Ed), **Encyclopedia of Crime & Punishment**, Malden, MA: Wiley-Blackwell.
- Brown, Stephen E; Esbensen, Finn-Aage; Geis, Gilbert, (2010), **Criminology: explaining crime and its context**, 7th Edition, , Cincinnati, Ohio: Anderson Publishing.
- Chiodo, Debbie, Wolfe, David A, Crooks, Claire, Hughes, Ray, Jaffe, Peter,(2009), "Impact of Sexual Harassment Victimization by Peers on Subsequent Adolescent Victimization and Adjustment: A Longitudinal Study", **Journal of Adolescent Health**, 45: 246–252.
- Engström, Alexander,(2018), "Associations between Risky Lifestyles and Involvement in Violent Crime during Adolescence", **Victims & Offenders**, 13(7): 898-920.
- Fairchild Kimberly,(2010), "Context Effects on Women's Perceptions of Stranger Harassment", **Sexuality & Culture**, 14: 191–216.
- Felson, Marcos; Clark, Ronald V,(2009), "**Opportunity and Delinquency: A Practical Approach to Crime Prevention**", translated by Mohsen Kalantari, Somayeh Ghezelbash, Zanjan: Zanjan Knowledge Publishing. [In Persian]
- Finkelhor, David, Asdigian, Nancy,(1996), "Risky Factors for Youth Victimization: Beyond a Lifestyle/Routine Activities Theory Approach", **Violence and Victims**, 11(1): 3-19.
- Fisher, M. H., Moskowitz, A. L., & Hodapp, R. M., (2012), "Vulnerability and

- experiences related to social victimization among individuals with intellectual and developmental disabilities”. **Journal of mental health research in intellectual disabilities**, 5(1): 32-48.
- Gann, Taylor L.,(2018) Dissertation “**Disability Status And Victimization:An Examination Of Mediating Factors On Risk**”, The Andrew Young School Of Policy Studies Of Georgia State University: 1-64.
- Gilson, Stephen French; Depoy, Elizabeth; Cramer, Elizabeth P.,(2001) “Linking the Assessment of Self-Reported Functional Capacity With Abuse Experiences of Women With Disabilities’, **Violence Against Women**, 7(4): 418-443.
- Ishaqi, Mohammad,(2003), "Sexual Harassment of Women in a Legal Review", **Quarterly Journal of Women's Strategic Studies**, , 20: 1-43. [In Persian]
- Javan Jafari, Abdolreza; Shahideh, Farhad,(2014), "The Role of Women Victims in Committing Sexual Crimes", **Criminal Law Research Quarterly**, 2(7): 41-71. [In Persian]
- Livingston, Beth A, KC Wagner, Sarah T. Diaz & Angela Lu,(2013), “The Experience of Being Targets of Street Harassment in NYC: Preliminary Findings From Qualitative Study of a Sample of 223 Voice Who Hollaback!” , The worker institute at Cornell Equality at Work , **Cornell University IRL School**: 1-6.
- Marcum, Catherine D; Richetts, Melissa L; Higgins, George E,(2010), “Assessing Sex Experiences of Online Victimization: An Examination of Adolescent Online Behaviors Using Routine Activity Theory”, **Journal of Criminal Justice Review**, 35: 412-437.
- Miller, J. Mitchell(Ed),(2009), "**21th Century Criminology A Reference Handbook**", USA: SAGE Publications.
- Miro, Fernando, (2014), **The Encyclopedia of Theoretical Criminology Online: Routine Activity Theory**, Edited by J Mitchell Miller, Hoboken, New Jersey: Blackwell Publishing Ltd.
- Mohammad Nassel, Gholamreza,(2007), "Principles and Foundations of Crime Opportunity Theory", **Quarterly Journal of Private Law Studies**, Faculty of Law and Political Science,37(3): 293-322. [In Persian]
- Noah, Yusuf,(2008), “Experience of Sexual Harassment at Work by Female Employer in Nigerian work Environment.” **International NGO Journal**, 3(7):. 122-127.

- Nosek, Margaret A. Hughes, Rosemary B. Swedlund, Nancy Taylor, Heather B. Swank, Paul,(2003), "Self-esteem and women with disabilities", **Social Science & Medicine**, 56(8):. 1737-1747.
- Olofsson, Niclas; Lindqvist, Kent; Danielsson, Ingela,(2014), "Higher Risk of Violence Exposure in Men and Women With Physical or Sensory Disabilities: Results From a Public Health Survey", **Journal of Interpersonal Violence**, 30(10): 1671-1686.
- Parish, William L; Das, Aniruddha; Laumann, Edward,(2006), "Sexual Harassment of Women in Urban China", **Archives Sex Behavior**, 35(4): 411-425.
- Pratt, Travis C.; Turanovic, Jillian J,(2016), "Lifestyle and Routine Activity Theories Revisited: The Importance of "Risk" to the Study of Victimization", **Victims & Offenders**, 11 : 335 -354.
- Rosewarne, Lauren,(2004), "Visual Terror: Graffiti and Outdoor Advertising as Street Harassment", **Australasian Political Studies Association**:1-18.
- Sadeghi Fasaee, Soheila; Rajab Larijani Mahsa (2010), "Sociological study of sexual harassment of women in the workplace", **Quarterly Journal of Women in Development and Politics (Women's Research)**, 8(3):111-134. [In Persian]
- Siegel, Larry J, (2007), **Criminology, Theories, Patterns, And Typologies**, 10th Edition, USA: Wadsworth, Cengage Learning.
- Sobsey, Dick.,(1994), "Violence and abuse in the lives of people with disabilities: The end of silent acceptance?", Baltimore: Brooks.
- Sororian, Mohammad Kamal,(2004) "Violence against women in France and America", **Quarterly Journal of Women's Strategic Studies**, 6(23):301-323. [In Persian]
- Williams, Frank P., McShane, Marie Lynn Dee,(2007), " **Theories of Criminology**", translated by Hamid Reza Malek Mohammadi, Tehran, Mizan Publishing. [In Persian]
- Yasliani, Farzaneh,(2009), Dissertation, Frequency and some factors affecting physical domestic violence against women with disabilities living in Isfahan and Fereidan, University of Social Welfare and Rehabilitation, Department of Social Work.[In Persian]
- Young, M.E., Nosek, M.A., Howland, C., & C hanpong, G. (1997), "Prevalence of abuse of women with physical disabilities". **Archives of Physical Medicine and Rehabilitation**,78 (12): 34-38.